

سرشناسه: اسماعیلی، امیر ناصر

عنوان: عربی اختصاصی رشته انسانی

مشخصات نشر: تهران: انتشارات بین‌المللی گاج: ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.

فروست: این کتاب از مجموعه کتاب‌های خط ویژه گاج می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۹-۴۱۸-۰

بها: ۱۷۰۰۰ تومان

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر.

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۵۳۴۷۲۲



www.gaj.ir
SMS: 1000425
Tel: 021-6420

ناشر کتاب‌های آموزشی با طرحی متفاوت.

[ناشر: انتشارات بین‌المللی گاج]

[مدیر مسئول: مهندس ابوالفضل جوکار]

[واحد پژوهش و برنامه‌ریزی کتاب‌های: خط ویژه]

[مدیران تألیف: علیرضا مزرعتی - مهندس علیرضا شعبانی نصر]

[عنوان کتاب: عربی اختصاصی رشته انسانی]

[مؤلف: امیر ناصر اسماعیلی]

[برنامه‌ریزی و امور اجرایی: حکیم رجبی]

[ویراستاران علمی: کامیار طلایی - زهرا زیبافر]

[ویراستاران فنی: نسرین یوسفی قهی - زهره شعبانی - خدیجه علیپور]

[سرپرست واحد فنی و گرافیک: صغری قربانی]

[صفحه‌آرایی: فرزانه رجبی - ساناز عاشقی - مریم نایی]

[حروف‌نگاران: الناز دارانی - نرگس خانکی]

[طراح جلد: منصور سمواتی]

[آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: گاج] + [لیتوگرافی: امین]

[چاپ‌خانه و صحافی: صبح فردا] + [ناظر چاپ: علی مزرعتی]

[نوبت چاپ: اول (۱۳۹۵)] + [شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه]

[دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، بین چهار راه ولیعصر (عج) و خیابان فلسطین، شماره ۹۱۹]

[تلفن: ۶۴۲۰ - ۰۲۱]

[سرویس پیام کوتاه (SMS): ۱۰۰۰۴۲۵] + [صندوق پستی: ۳۷۷ - ۱۳۱۴۵]

[پایگاه اینترنتی: www.gaj.ir]

[قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان]

+++ دوست عزیز جهت آگاهی از آخرین اخبار و اطلاعات کتاب‌های منتشر شده

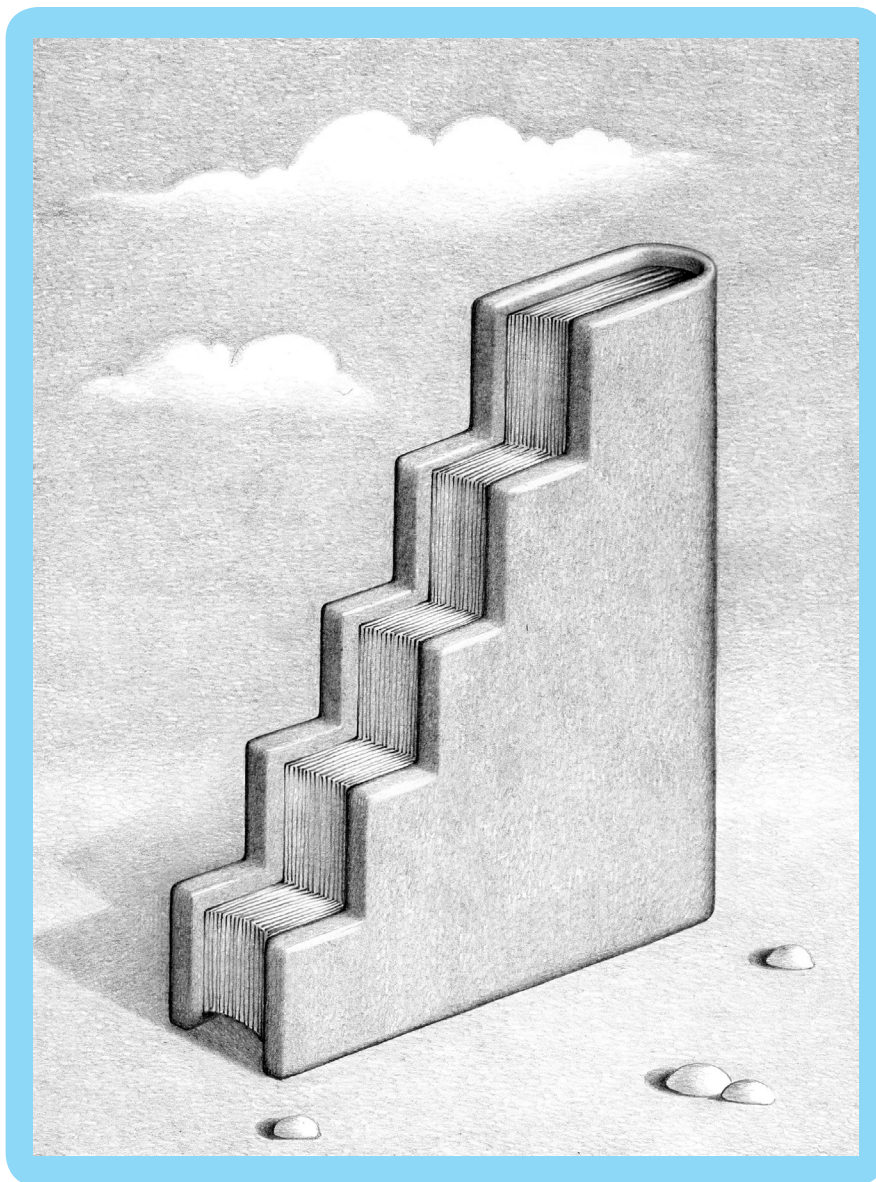
لطفاً پایه و رشته‌ی تحصیلی خود را به شماره‌ی ۱۰۰۰۴۲۵، SMS نمایید.

توجه: به موجب ماده‌ی ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱

کلیه‌ی حقوق این کتاب برای انتشارات بین‌المللی گاج محفوظ می‌باشد و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی

حق استفاده از آن را ندارد و متخلفین به موجب این قانون تمت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

سخن ناشر



هیچ آسان بری تو را به آسمان نزدیک نمی‌کند راه را باید قدم به قدم پیمود.

پیشگفتار

درآمدی بر این کتاب به قلم یک دوست

پرده دوم: بازیکن غریبه

یادم نیست دقیقاً چه سالی بود، ولی یکی از تابستان‌های داغ دهه هفتاد بود و من هم به همراه دوستان، یکی دو ترمی بود که پس از پیروزی در هم‌آورد کنکور، فاتحانه لقب «دانشجوی مملکت» را تصاحب کرده بودیم و تنها غبطه‌مان به دوران دبیرستان، همان فوتبال‌های بعد از ظهر حیات مدرسه بود.

آن زمان‌ها برای به اشتراک گذاشتن یک حس، باید بعد از قرار و مدارهای دقیق، نیمی از شهر را می‌رفتیم و بعد از کُلّی توی صف تلفن عمومی ایستادن، پشت تلفن از مادر دوستان می‌پرسیدیم که فلانی کی راه افتاده و غیره. تا بالآخره یکدیگر را پیدامی‌کردیم.

اما در چنین شرایطی، قرار یک فوتبال صبحگاهی توی زمین چمن، چیزی نبود که بتوان از آن صرف نظر کرد. تنها مشکلی این بود که برای جفت‌وجور شدن دو تیم، باید به هم‌بازی شدن با بازیکن‌های غریبه‌ای که البته دوستان دوستانمان بودند رضایت می‌دادیم.

یکی از همین صبح‌های داغ فوتبالی بود که کنار زمین با دوستان در حال آماده شدن و گپ زدن بودیم که دیدم یک بازیکن غریبه آن طرف‌تر در حال آماده شدن است. خیلی آرام و متین بود. به نظرم آدم جدّی و سنگینی آمد که اهل گپ‌وگفت نیست. بعدها فهمیدم که خوب هم اهل گپ‌وگفت است؛ اسمش را هم فهمیدم، امیرناصر اسماعیلی.

پرده اول: شربت تلخ و شیرین

شاید یکی از چالش‌های بزرگ معلمان ما در نظام خیلی قدیم آموزش دبیرستان، در اوایل دهه هفتاد این بود که به دانش‌آموز رشته ریاضی فیزیک بگویند که: دانش‌آموز عزیز! اگر چه باید دروس ریاضی‌ات را خوب بخوانی، اما این درس عربی را هم باید بخوانی، چرا که در کنکور همه ریاضیشان را خوب خوانده‌اند؛ بنابراین کسی که عربیش را هم خوب خوانده باشد، گوی سبقت را ربوده و بر اسب پیروزی خواهد تاخت!

اما شور و شوق جوان ریاضی‌خوان در میان معادلات، نمودار تابع، روابط ریاضی و ظهور دروس جدید و اغواگری همچون برنامه‌نویسی کامپیوتر و از این‌دست، باعث شده بود که گوش هیچ‌کس به این حرف‌ها بدهکار نباشد و تنها کارکرد کلاس عربی، حل مسائل جبر و ریاضیات جدید و کامپیوتر توی جامیز باشد!

ما نیز در دوران دبیرستان در همین حال و هوا بودیم، غافل از این‌که مقامات مدرسه برای حلّ این مشکل، در گوی بلورین اتاق مدیر، مکاشفاتی کرده و راه حلّی یافته‌اند که به جرأت می‌توان گفت خاص و بی‌همتا بود.

اصول راه حل، همان حيله قدیمی «خوراندن شربت شفابخش، اما تلخ به کودک» از طریق مخلوط کردن آن با یک شربت

شیرین بود. روزی که فهمیدیم معلّم درس عربی و درس کامپیوترمان یک نفر است که در هر دو مورد تبخّر کامل دارد، قیافه‌مان شبیه آن کودکی شد که شربت تلخ را به همراه شربین‌کننده خورده و از این ترفند مبهوت مانده است. باید اعتراف کنم آن لطایف‌الحیل برای من یکی، خیلی کارساز شد؛ عربی برایم به جای یک درس، شد زبان راز و نیازم با پروردگار؛ برای من شد همان شربت تلخ و شیرین.

پرده آخر: غم پرستوی مهاجر

یک اخلاق بدی دارم که هر موقع چیزی را می‌دانم، دوست دارم برای خودم نگهش دارم و اگر بخواهم به کسی بگویم چنان سخت و پیچیده‌اش می‌کنم که طرف یا پشیمان شود و یا در دل، مبهوت کمالات پیچیدگی من شود! البته قصدم از بازگویی این خلق و خو، نشر آن نیست، بلکه ادب‌آموزی لقمان‌گونه است.

غرض این‌که، در این سالیان کوتاه و دراز آشنایی‌ام با جناب اسماعیلی، صداقت و سادگی ایشان، برایم زندگی‌آموز بود؛ نه مثل من صندوقچه‌ای از احساسات نگفته دارد و نه پاسخی نداده به سؤالی که از او شده است. وقتی مهمانم می‌شوی، دیگر میهمان و میزبان معنی ندارد، هر آن‌چه از طعام، احساس و دانش هست، بر سر سفره است و تو لحظه‌ها را به جای سپری کردن، زندگی می‌کنی.

در کتاب ایشان هم، خبری از نکته‌ها و اشارت‌ها و اخطارهای خشک نیست و زوائد اضافه بر اصل، جایی ندارد.

به قلم ایشان، اشاره‌ها، «درنگ» می‌شوند، اخطارها، «تله» نام می‌گیرند و نکته‌ها «یادگار» می‌شوند برای همیشه.

این کتاب، چنان سلیس، موجز و کامل است که گذراندن قطعه‌ای از عمر برای خواندنش، تا همیشه جاودان می‌ماند.

اگر روزی در کلاس ایشان تلمذ می‌کردم، به جای این‌که از صرف و نحو بیرسم، می‌پرسیدم که:

استاد! غم پرستوی مهاجر به زبان عربی چگونه است؟

و لابد می‌شنیدم که: **غم پرستوی مهاجر به زبان سر نیست، به زبان دل است و ترجمه ندارد!**

مقدمه‌ی مؤلف


سلسله‌ موی دوست حلقه‌ دام بلاست


هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

به همت و سفارش دوستان بر آن شدیم تا مجموعه‌ای فراهم کنیم متفاوت، مختصر و مفید؛ که گفته‌اند: «خَيْرُ
الكلام ما قَلَّ وَ دَلَّ»

خط ویژه پیش رویتان ویژگی‌های یگانه‌ای دارد:

- ✓ درسنامه‌هایی سلیس، استثنایی و کوتاه و کامل، با زیرساخت‌های مرتبط عربی عمومی در قالب نکات و جداول.
- ✓ توضیح گفتاری و نوشتاری مختصر هر درس در بسته‌های QR (بارکد اطلاعات).
- ✓ دوره‌ تمرینی مطالب درسنامه در قالب تست نمونه.
- ✓ واکاوی، جستار و ترجمه‌ کامل جدیدترین و جامع‌ترین تست‌های کنکور تحت عنوان تست ویژه.
- ✓ ممتاز شدن نکات مهم و محبوب طراحان کنکور! در کنار نمادهایی با نام «تله» و «درنگ».
- ✓ ایجاد زنگ تفریح «به یادگار»، که شاید شهد شیرینش تا همیشه برایتان «به یادگار» بماند.
- ✓ جمع‌بندی همه‌ نکاتی که در ترجمه بدان نیاز دارید.
- ✓ موشکافی و تشریح کامل تست‌های چند سال اخیر که به حق، دوره‌ کامل کل قواعد عربی است.

 **درنگ:** ایستگاهی است برای تأمل در نکته‌های پُر استفاده!

 **تله:** خیلی مواظب نکته‌های آن باش تا که گرفتارت نکند!

این خط، ویژه شد به لطف موعود مهربان و با یاری و مهر این خوبان:

مدیر محترم و فرهیخته‌ انتشارات بین‌المللی گاج، جناب آقای مهندس ابوالفضل جوکار،

مدیران تألیف؛ عزیزان بیگیر و دلسوز، آقایان علیرضا شعبانی نصر و علیرضا مزرعتی، ویراستاران دقیق و پرتلاش خانم‌ها:

زهرا زیبا، زهره شعبانی و خدیجه علیپور و آقایان: کامیار طلایی و حکیم رجبی.

و همه‌ یاران و عزیزانی که همکاری، اندیشه و نگاه گرمیشان، انگیزه‌بخش و راهگشا بود.

عزیزان: مرتضی محسنی کبیر، مهدی نظری، امیرنجات شجاعی، میثم فلاح، منصور سمواتی، صغری قربانی، مریم جمشیدی،

فاطمه کارگر پیشبجاری.

و در پایان، سپاسی ویژه:

از همسر مهربان و دلسوزم کمال سپاس و امتنان را دارم که همیشه برایم مشوقی همراه و با قبول زحمات فراوان، کمبود و نبودم را صبور و شکیبیا بوده و هست.

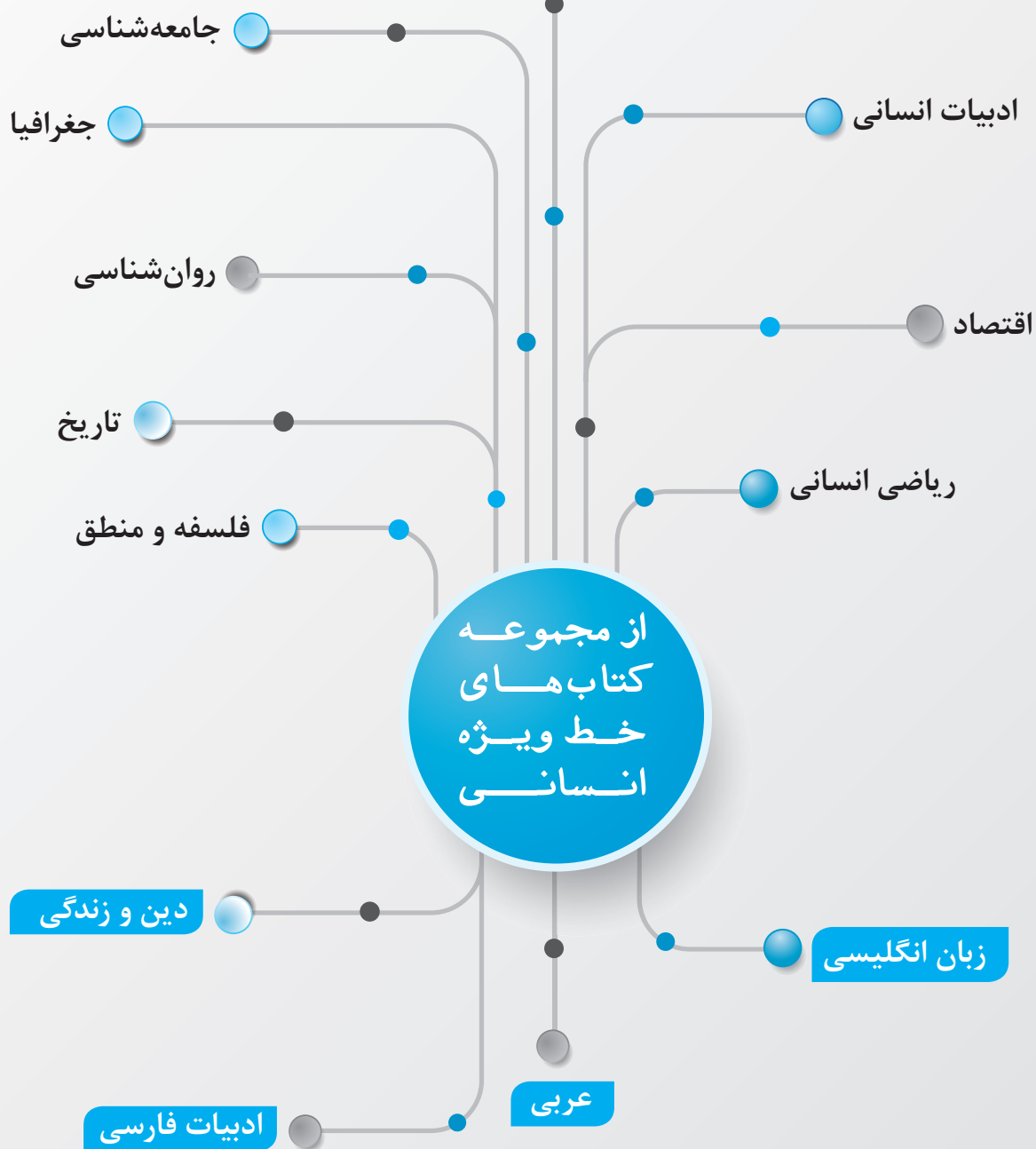
امید که این اندک، مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود

امیر ناصر اسماعیلی

فهرست مطالب

۹	انواع لام - فعل طلب و جواب طلب	اعراب فعل مضارع
۲۲		تطابق فعل و فاعل (در جنس)
۲۸		مهموز و مضاعف
۳۴	اعلال در ابواب ثلاثی مزید - اعلال در فعل مثال - اعلال در فعل اجوف - اعلال در فعل ناقص	ثلاثی مزید
۵۰	انواع اسم مؤنث - منصرف و غیرمنصرف - جامد یا مشتق	اقسام اسم
۶۲	جمله صلّه - ضمیر عائِد صلّه - ضمیر فصل (عماد)	معرفه یا نکره
۶۹	اعداد مرکّب - اسامی معرب از نظر حرف آخر - انواع اعراب و نکات آن	مبنی یا معرب
۸۰		تصغیر و نسبت
۸۷	افعال ناقصه و افعال مقاربه - حروف مشتبّه و «لا»ی نفی جنس - تفاوت «إِنَّ» با «أَنَّ»	نواسخ
۹۸	مفعولُ به - افعال دو مفعولی - مفعولُ مطلق - مفعولُ فیه - مفعولُ له	مفاعیل
۱۱۰	عامل محذوف	اغراء و تحذیر
۱۱۳	حال مفرد - جملهٔ حالیه	حال
۱۱۹	تمییز مفرد و تمییز نسبت - اصل تمییز	تمییز
۱۲۶	تام و مفرّغ - مستثنی به «غیر»	استثناء
۱۳۳		منادئ
۱۳۸	صفت و موصوف - عطف به حروف - انواع «واو» - انواع «لا» - بدل - عطف بیان - تأکید و انواع آن	توابع
۱۵۱	اعداد ترتیبی - اعداد اصلی	عدد
۱۵۶		مدح و ذمّ
۱۶۰	انواع «ما»	تعجّب
۱۶۵	علم معانی (تأکید - حصر) - علم بیان (تشبیه و انواع آن) - علم بدیع (جناس - سجع - طباق)	علم بلاغت
۱۷۵		اسالیب جمله
۱۷۶		نکات ترجمه
۱۸۱		نکات «التشکیل»
۱۸۳		آزمون‌های سراسری ۹۴ و ۹۵

عربی انسانی





اعراب فعل مضارع

فعل مضارع سه گونه اعراب دارد:

(۱) مضارع مرفوع (۲) مضارع منصوب (۳) مضارع مجزوم

فعل مجزوم وجود ندارد!

(۱) مضارع مرفوع

فعل مضارع به خودی خود مرفوع است، یعنی در آخرش (ع) یا (نون عوض رفع) دارد. (افعال خمسه: صیغه‌هایی که نون عوض رفع دارند و اعرابشان ظاهری فرعی به ثبوت «نون» اعراب است، یعنی صیغه‌های ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۰)، به جز صیغه‌های للغائبات و للمخاطبات (صیغه‌های ۶ و ۱۲) که چون مبنی بر سکون هستند اعرابشان محلی است و در نتیجه محلاً مرفوع هستند.

فعل مضارع اگر در آخر علامت (ع) داشت، اعرابش ظاهری اصلی است و اگر (نون) داشت، اعرابش ظاهری فرعی است (به جز صیغه‌های ۶ و ۱۲ که اعرابشان محلی است).

يَنْصُرُ ← مرفوع به اعراب ظاهری اصلی

تَنْصُرُنَّ ← محلاً مرفوع (صیغه‌ی ۱۲)

يَنْصُرَانِ ← مرفوع به ثبوت (نون) اعراب (اعراب فرعی)

«يَذْهَبُونَ» مرفوع به (نون) و «مُؤْمِنُونَ»، مرفوع به (واو)! چون اولی فعل مضارع و علامت رفعش «نون عوض رفع»! و دومی اسم جمع مذکر سالم!

۱- (ع): اعراب ظاهری اصلی

علامت فعل مضارع مرفوع

۲- («ن»: به جز ۶ و ۱۲): اعراب ظاهری فرعی (نبایی)

اعراب فعل مضارع معتل ناقص، در حالت رفع، تقدیری است چون قدرت پذیرش رفع را ندارد و اعلال به اسکان دارد.

يَدْعُو، يَرْمِي، يَنْسِي ← تقدیراً مرفوع

تست نمونه

۱ عَيْنِ الْفِعْلِ الْمَضَارِعِ الْمَرْفُوعِ إِعْرَابُهُ لَيْسَ فِرْعَانِيًّا:

(۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا الشَّيْطَانَ!

(۲) اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيُذِئِبُهُمْ فِي طُعْيَانِهِمْ!

(۳) الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ!

(۴) لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ بِإِطْلَاقٍ!

(تالیفی)

پاسخ: ۲

فعل «يَسْتَهْزِئُ» و «يُذِئِبُهُ» هر دو مرفوع و اعرابشان ظاهری اصلی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) لَا تَتَّبِعُوا ← مضارع مجزوم به حذف (نون) اعراب؛ اعراب ظاهری فرعی

(۳) يَذْكُرُونَ ← مضارع مرفوع به ثبوت (نون) اعراب؛ اعراب ظاهری فرعی

(۴) لَا تَمْشِ ← مضارع مجزوم به حذف حرف عله؛ اعراب ظاهری فرعی

(تالیفی)

پاسخ: ۴

«يَنْسِي» فعل مضارع معتل ناقص است و اعراب رفع مضارع ناقص در صیغه‌های بدون ضمیر متصل (صیغه‌های تنها، یعنی صیغه‌های بدون ضمیر متصل!)، تقدیراً مرفوع است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) يجلسان ← مرفوع به ثبوت نون اعراب؛ اعراب ظاهری فرعی

(۲) يَرْضِيَنَّ ← محلاً مرفوع؛ صیغه‌های ۶ و ۱۲ چون مبنی هستند اعرابشان محلی است!

(۳) يَذْهَبَنَّ ← مرفوع به اعراب ظاهری اصلی (ع)

۲ عَيْنِ الْمَضَارِعِ الْمَرْفُوعِ إِعْرَابُهُ تَقْدِيرِيًّا:

(۱) هَمَا يَجْلِسَانِ عَلَى الْأَرْضِ!

(۲) هُنَّ يَرْضِيَنَّ عَنْ نِيَّاتِهِنَّ!

(۳) يَذْهَبُ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى الْفِرْدَوْسِ!

(۴) مَرِيَمُ تَنْسِي قِبَائِحَ الْأَصْدِقَاءِ!

۳ عین الخطأ (عن الفعل المعتل):

- ۱) سئل حکیم ماذا یدھشک فی الإنسان؟ أجاب: عمله مع نفسه،
- ۲) فإنه یقوم بالتضحیات الكثيرة لاكتساب المال حتی یفقد صحته،
- ۳) و بعد أن جمع المال یضحی به لأجل صحته،
- ۴) و یعیش كأنه لن یمت، لکنه یموت كأنه لم یعیش!

پاسخ: ۴

لن یمت ^{درست} ← لن یموت

(انسانی ۹۵)

تکلیف حروف ناصبه، قدرت حذف حرف عله را ندارند، ولی حروف جازمه این قدرت را دارند. سایر فعل‌های معتل، درست نوشته شده‌اند: أجاب، یقوم، یضحی، یعیش، یموت، لم یعیش. تکلیف جزم فعل ناقص به حذف حرف عله است، یعنی اعراب ظاهری فرعی دارد و جزم فعل اجوف، اعراب ظاهری اصلی دارد.

۲) مضارع منصوب

اگر ادات نصب (حروف ناصبه) کنار فعل مضارع قرار بگیرند، فعل ما را منصوب می‌کنند.

شماره	حروف	مثال	ترجمه
۱	أَنْ	أَنْ یَذْهَبَ	(تا که) تا برود
۲	لَنْ	لَنْ تَذْهَبُوا	(هرگز) نخواهید رفت
۳	كَيْ	كَيْ تَذْهَبَ	تا بروی
۴	لِکَيْ	لِکَيْ تَذْهَبَ	تا که برویم
۵	إِذَنْ	إِذَنْ یَذْهَبُوا	بنابراین بروند
۶	لِ (لام التعلیل)	لِ تَذْهَبُوا	(برای این‌که) تا بروید
۷	حَتَّى	حَتَّى یَذْهَبَا	(تا این‌که) تا بروند

انواع حروف ناصبه

تکلیف فعل مضارع منصوب (به جز با «لن» ناصبه) به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود: أَنْ یَکْتُبَ (که بنویسد)

تکلیف فعل مضارع منصوب با «لَنْ» به صورت مستقبل منفی ترجمه می‌شود: لَنْ یَکْتُبَ («هرگز» نخواهد نوشت)

تکلیف «لام» ناصبه، غالباً اول جمله نمی‌آید، چون مطمئناً به مفهوم یا فعل دیگری التزام و وابستگی دارد:

عَلَيْنَا أَنْ نُوَاجِهَ الْحَيَاةَ بِالتَّوَّابِلِ لِتَحْصُلِ الْهَدْوَةِ: ما باید که روبه‌رو شویم با زندگی با خوش‌بینی، تا به دست آوریم آرامش را.

۱- (ع) ← تبدیل می‌شود به (ع): اعراب ظاهری اصلی

علامت فعل مضارع منصوب

۲- (ن) ← حذف می‌شود (به جز ۶ و ۱۲): اعراب ظاهری فرعی (نیایی)

فعل مضارع معتل ناقص بر وزن «یَفْعَلُ و یَفْعَلُ»، اعراب نصبش ظاهری اصلی است و اگر بر وزن «یَفْعَلُ» باشد، اعراب نصبش هم تقدیری است:

أَنْ یَدْعُوْهُ ← (منصوب به اعراب ظاهری اصلی) أَنْ یُرْمِیْ ← (منصوب به اعراب ظاهری اصلی)

أَنْ یَنْسِیْ ← (منصوب با اعراب تقدیری)

حروف ناصبه حرف عله را حذف نمی‌کنند!

أَنْ یَجِدَ (تا که بیابد) - أَنْ یَقُولَ (تا که بگوید) - أَنْ یَخَافَ (تا که بترسد) - أَنْ یَهْدِيَ (تا که هدایت کند) - أَنْ یَسْقَى (تا که آبیاری کند)

اگر حرف «لا» با یکی از حروف ناصبه بیاید، حتماً «لا»ی نفی و غیرعامل است و فعل ما هنوز منصوب است:

أَنْ لَا یَکْتُبَ (تا که ننویسد) أَنْ لَا تَکْتُبُوا (تا که ننویسید)

مضارع منفی منصوب

مضارع منفی منصوب

«أَلَا» (أَنْ + لا) را با «إِلَّا» اشتباه نگیری:

أَلَا تَکْتُبُ (تا که ننویسی): أَنْ + لا + تَکْتُبُ

مضارع منفی منصوب

تست نمونه

۱ عین ما لیس فیہ مضارع مجزوم:

- (۱) أَيُّهَا السَّبَابُ؛ لَاتَتَّبِعُوا مَا يُبْعِدُكُمْ عَنِ الْحَقِيقَةِ!
- (۲) عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ لَا يَحَاكِيَ الْآخِرِينَ طُولَ حَيَاتِهِ!
- (۳) إِنْ لَمْ يَتَّخِذْ أَحَدُكَ الْأُسْلُوبَ الصَّحِيحَ فِي الْمَطَالَعَةِ يَخْسِرُ!
- (۴) لِيَنْزِلَ الْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى تَخْضِرَ الْأَرْضُ وَ تَخْرُجَ التَّنْبَاتُ!

پاسخ: ۲

أَنْ لَا يَحَاكِيَ (تا که تقلید نکند)

حرف شرط مضارع
ناصبه نفی منصوب

بررسی فعل‌های مجزوم در سایر گزینه‌ها:

- (۱) لَا تَتَّبِعُوا ← فعل نهی، مضارع مجزوم به حذف نون اعراب (فرعاً مجزوم)
- (۳) لَمْ يَتَّخِذْ ← فعل جحد، مضارع مجزوم به اعراب ظاهری اصلی
- يَخْسِرُ ← جواب شرط، مضارع مجزوم به اعراب ظاهری اصلی
- (۴) لِيَنْزِلْ ← فعل امر غایب، مضارع مجزوم به اعراب ظاهری اصلی

(تبریزی ۹۵)

۲ عین الخطأ (فی اعراب المضارع):

- (۱) لَا تَحْنُ فِي حَيَاتِكَ أَحَدًا يَرْضَى رَيْكَ عَنكَ!
- (۲) لَا تَتَّكَاسَلْ تَفْرُ فِي أَيَّامِ دَهْرِكَ!
- (۳) أَطْلُبُ مِنْ رَبِّي حَتَّى يَسْتَجِبَ لِي!
- (۴) لَعَلَّهُمْ يَشْعُرُونَ وَدَنَا حَتَّى يَفْرَحُوا!

پاسخ: ۳

بررسی فعل مضارع در گزینه‌ها:

- (۱) لَا تَحْنُ ← فعل طلب (نهی) و مجزوم به اعراب ظاهری اصلی
- يَرْضَى ← جواب طلب و مجزوم به اعراب ظاهری فرعی («يَرْضَى» بوده که حرف علیه‌اش حذف شده)
- (۲) لَا تَتَّكَاسَلْ ← فعل طلب (نهی) و مجزوم به اعراب ظاهری اصلی
- تَفْرُ ← جواب طلب و مجزوم به اعراب ظاهری اصلی
- (۳) أَطْلُبُ ← فعل مضارع مرفوع به اعراب ظاهری اصلی
- حَتَّى يَسْتَجِبَ ← ^{درست} فعل مضارع منصوب به اعراب ظاهری اصلی
- [دلیلی برای حذف حرف عله در این فعل اجوف، وجود ندارد.]
- (۴) يَشْعُرُونَ ← فعل مضارع مرفوع به ثبوت نون اعراب، مرفوع به اعراب ظاهری فرعی
- حَتَّى يَفْرَحُوا ← فعل مضارع منصوب به حذف نون اعراب، منصوب به اعراب ظاهری فرعی

(تالیفی)

۳ عین «حتی» الناصبة:

- (۱) طَالَعْتُ دَرُوسِي حَتَّى طُلُوعِ الْفَجْرِ، ثُمَّ نَمَتُ بَعْدَ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ.
- (۲) يَسْعَى كَثِيرٌ مِنَ الْأَطْبَاءِ حَتَّى يَكْتَشِفُوا طَرِيقًا جَدِيدَةً لِلْمَعَالِجَاتِ.
- (۳) يَحِبُّ التَّلَامِيذُ أَنْ يَذْهَبُوا إِلَى الْمُخْتَبِرِ حَتَّى الضَّعْفَاءِ مِنْهُمْ.
- (۴) نَسْتَفِيدُ مِنْ كِتَابٍ وَأَثَارِ الْعُلَمَاءِ الْقَدِيمَةِ حَتَّى الْيَوْمِ.

پاسخ: ۲

تلك «حتی» فقط با مضارع منصوب، حرف ناصبه است.

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) حَتَّى طُلُوعِ ← «حتی» حرف جرّ است.
- (۲) حَتَّى يَكْتَشِفُوا ← «حتی» حرف ناصبه است.
- (۳) حَتَّى الضَّعْفَاءِ ← «حتی» حرف عطف است.
- (۴) حَتَّى الْيَوْمِ ← «حتی» حرف جرّ است.

اسم مهور

مضارع منصوب

اسم مرفوع به تبعیت

اسم مهور

(قارح ۱۸۵)

۴ عین الصحيح للفراغ: «يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ.....»

بِتَجَارِبِ الْآخِرِينَ

- (۱) تَنْتَفِعَ
- (۲) تَنْتَفِعَانِ
- (۳) يَنْتَفِعَ
- (۴) يَنْتَفِعُوا

پاسخ: ۳

- (۱) «أَنْ» از حروف ناصبه است و فعل بعد از خود را منصوب می‌کند، یعنی اگر (ت) داشت (ت) می‌شود و اگر «نون» عوض رفع داشت، (نون) حذف می‌شود. در این عبارت چون فعل جای خالی در مورد «انسان» صحبت می‌کند، پس «أَنْ يَنْتَفِعَ» درست است.

(تالیفی)

۳) مضارع مجزوم

۱- (ت) ← تبدیل می‌شود به (ث): اعراب ظاهری اصلی

۲- (ن) ← حذف می‌شود (به جز ۶ و ۱۲): اعراب ظاهری فرعی (نیایی)

در ۳ حالت، فعل مضارع، مجزوم می‌شود:

الف) با حروف جازمه ب) با ادات شرط ج) در اسلوب طلب (فعل طلب و جواب طلب)

الف) حروف جازمه

شماره	حروف	مثال	ترجمه
۱	«لا» نهی	لَا تَقُلْ	نگو!
۲	«لِ» امر غایب	لِأَنْصُرْ	باید یاری کنم!
۳	لَمْ	لَمْ تَذْهَبْ	نرفتی، نرفت
۴	لَمَّا	لَمَّا تَشْرَبُوا	ننوشیده‌اید

«لِ» امر غایب (لام جازمه) غالباً اول جمله و فقط با ۶ صیغه‌ی غایب و ۲ صیغه‌ی متکلم می‌آید:

اليوم لِيَتَرَجَّمُ الزهراء هذه الرسائل (امروز باید ترجمه کند زهرا، این نامه‌ها را)

اگر مضارع مجزوم به «لِ» امر (لام جازمه)، بعد از حروف (و، فت، ثَمَّ) بیاید، لام امر، ساکن می‌شود:

وَلْيَكُنْ (و باید باشد)، فَلْيَتَوَكَّلْ (پس باید توکل کند)

«لَمْ و لَمَّا» حروف جحد (انکار) هستند، به شرطی که با فعل مضارع مجزوم بیایند.

امید انجام کار در «لَمَّا» هست ولی در «لَمْ» نیست:

لَمْ يَذْهَبْ (نرفت، نرفته است) ← دقت کنید که به صورت ماضی ساده‌ی منفی و یا ماضی نقلی منفی ترجمه شود.

لَمَّا يَذْهَبْ («هنوز» نرفته است) ← دقت کنید که فقط به صورت ماضی نقلی منفی ترجمه شود (با «هنوز»).

ماضی: لِمَ ذَهَبْتُمْ (چرا رفتید؟)

اسم استفهام + لِمَ + مضارع مرفوع (ساده): لِمَ تَقُولُونَ (چرا می‌گویید؟)

در کنکور اعراب نمی‌گذارند! پس «لَمْ» را با «لِمَ» اشتباه نگیرید. «لَمْ» حرف جزم و با مضارع مجزوم می‌آید و هرگز با ماضی دیده نمی‌شود و «لِمَ» اسم

استفهام است به معنی (چرا) و تأثیری بر روی فعل مضارع ندارد.

ماضی: لَمَّا ذَهَبْتُمْ (وقتی که رفتید)

اسم + لَمَّا + مضارع مرفوع (ساده): لَمَّا تَقُولُونَ (وقتی که می‌گویید)

«لَمَّا» در حالات فوق، «مفعولٌ فيه للزمان» و به معنی «وقتی که، هنگامی که، زمانی که ...» می‌آید.

ب) ادات شرط

هرچه	ما	هرکه	مَنْ	اگر	إِنْ
هرگاه	مَتَى	هرچند	مَهْمَا	هرجا	أَيْنَمَا
هرگاه	إِذَا	اگر	لَوْ	هرگونه	كَيْفَمَا

ادات شرط در آن واحد، دو فعل را مجزوم می‌کنند که به فعل اول، فعل شرط و به فعل دوم، جواب شرط می‌گویند:

إِنْ تَضْرِبْ أُضْرِبْ (اگر بزنی، می‌زنم)

فعل شرط جواب شرط

فعل شرط به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری (ساده) ترجمه می‌شود.

اجازه داری جواب شرط را به صورت مستقبل هم ترجمه کنی:

إِنْ تَصْبِرُوا تَتَّعَلَبُوا عَلَى الْمَصَائِبِ: اگر صبر کنید، بر مشکلات چیره می‌شوید «چیره خواهید شد».

فعل شرط مجهول^۳ جواب شرط مجهول^۳

اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشند، به صورت مضارع معنی می‌شوند و محلاً مجزوم‌اند:

مَنْ حَقَّرَ بِنِزَا لَأَخِيهِ وَقَعَّ فِيهَا: هر که حفر کند چاهی را برای برادرش، می‌افتد در آن.

فعل شرط معللاً مجهول^۳ جواب شرط معللاً مجهول^۳

مَنْ جَاءَ وَجَاءَ: هر که بجوید می‌یابد = جوینده یابنده است.

فعل شرط معللاً مجهول^۳ جواب شرط معللاً مجهول^۳

ماضی یا مضارع بودن در فعل شرط و جواب شرط، هیچ تأثیری بر ترجمه نمی‌گذارد:

مَنْ يَجْتَهِدْ يَنْجَحْ = مَنْ اجْتَهَدَ نَجَحَ: هر که بکوشد، پیروز می‌شود.

فعل شرط مجهول^۳ جواب شرط مجهول^۳ فعل شرط معللاً مجهول^۳ جواب شرط معللاً مجهول^۳

اگر جواب شرط، جمله‌ی اسمیه یا فعلیه (امر، نهی و فعل ماضی همراه با «قد») باشد، همراه «فاء جزاء» یا «فاء جواب» می‌آید:

فَاءُ جَزَاءٍ (جواب)

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ: و هر که توکل کند بر خدا، او کافی‌اش است.

فعل شرط مجهول^۳ جواب شرط معللاً مجهول^۳

فَاءُ جَزَاءٍ (جواب)

مَنْ مَاتَ مِنَ الْعَشَقِ فَقَدْ مَاتَ شَهِيدًا: هر که بمیرد از عشق، شهید می‌میرد.

فعل شرط معللاً مجهول^۳ جواب شرط معللاً مجهول^۳

«لَوْ» و «إِنْ» حروف شرط و بقیه اسم شرط هستند.

«إِنْ» حرف عامل جزم و «لَوْ» حرف غیرعامل است!

«إِذَا» اسم شرط غیرعامل، یعنی فعل‌های بعد از خودش مجزوم نمی‌کنند، ولی در معنی اثر خودش می‌ذارند (یعنی فعل شرط مثل قبل، مضارع التزامی

و جواب شرط هم مضارع اخباری ترجمه می‌شن):

إِذَا تَطَلَّعَ الشَّمْسُ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِكَ: هر گاه خورشید طلوع کند خارج می‌شوی از خانه‌ات!

فعل شرط مرفوع^۳ جواب شرط مرفوع^۳

ممکن است جواب شرط بر فعل شرط مقدم شود:

قَدْ سَعَى مَنْ جَاءَ: خوشبخت می‌شود هر کس تلاش کند!

جواب شرط مقترماً معللاً مجهول^۳ فعل شرط معللاً مجهول^۳

وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ سَمَمْتُ رَفَاتِي: می‌یابی بوی عشق را اگر ببویی خاک قبر مرا!

جواب شرط مقترماً معللاً مجهول^۳ فعل شرط معللاً مجهول^۳

فعل مضارع معتل اجوف در حالت جزم، اعرابش ظاهری اصلی است، هر چند که حرف عله‌اش حذف شده است:

لا تَقُلْ (نقو) لا تَبِعْ (نفرش) لا تَخَفْ (ترس)

فعل مضارع معتل ناقص در حالت جزم اعرابش ظاهری فرعی و یا مجزوم به حذف حرف عله است:

لَمْ يَدَعْ (لم يدع) لَمْ يَهْدِ (لم يهد) لَمْ يَنْسِ (لم ينس)

تست نمونه

۱ عین الماضي ليس في محلّ جزم:

- ۱) إن أدرك الإنسان عظمة خالقه يسجد له كثيراً!
- ۲) إن طلب الإنسان الراحة في الحياة فما بلغ السعادة!
- ۳) من تعلم اللغة العربية يفهم لغة القرآن بشكل صحيح!
- ۴) هذه الطالبة من حاولت في درسها ثم نجحت في عملها!

پاسخ: ۴

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) أدرك ← ماضی، فعل شرط و محلاً مجزوم
- ۲) طلب ← ماضی، فعل شرط و محلاً مجزوم
- ۳) ما بلغ ← ماضی، جواب شرط و محلاً مجزوم
- ۴) تعلم ← ماضی، فعل شرط و محلاً مجزوم
- ۴) «من» در این عبارت اسم شرط نیست بلکه اسم موصول است!

(هنر ۹۵)

۲ عین المضارع مرفوعاً:

- ۱) إن ترحموا صغاركم يرحمكم ربكم!
- ۲) من يعزز جاره يرفع شأنه!
- ۳) إذا تقول كلاماً عمل به!
- ۴) من ير عيوب نفسه يعرف مواضع ضعفه!

پاسخ: ۳

(تالیفی)

«إذا» اسم شرط غیرعامل است و برای همین هم، فعل «تقول» مجزوم نشده، زیرا اگر مجزوم می‌شد به صورت «تقل» می‌آمد!

هرگاه فعل «یری» را به صورت «یر» دیدی (یعنی بدون حرف عله‌ی «ی») مطمئن باش به دلیلی مجزوم شده است!

۳ عین الخطأ في إعراب الفعل المضارع:

- ۱) تعود ← أن تعود، لم تعد
- ۲) يهدى ← أن يهدى، لا يهد
- ۳) يخاف ← كي يخاف، ليخف
- ۴) يسعى ← حتى يسعى، لم يسع

پاسخ: ۴

(تالیفی)

فعل‌هایی مانند (رضی، نسی، خشی، سقی، زعی، سعی و...) جزو گروه استثنای ناقص هستند و حرف عله‌شان در مضارع، اعلال به قلب دارد، و این فعل‌ها اعراب رفع و نصبشان، هر دو تقدیر است!

پس «حتى يسعى» درست است، نه «حتى يسعی»!

آیات جزم، حرف عله‌ی فعل ناقص را حذف می‌کنند، یعنی جزم این افعال به حذف حرف عله است، ولی در جزم افعال اجوف شما علامت جزم (ه) را می‌بینی! پس تمام فعل‌های مجزوم تست درست می‌باشند.

۴ عین ما ليس فيه أدوات الشرط:

- ۱) من يعزل الظالم عن مقامه حين يرى الظلم!
- ۲) متى يهدب الإنسان نفسه يكسب درجات عالية!
- ۳) من ير جمال الحقيقة لا يتدنس قلبه!
- ۴) متى جاء الحق يغضب أهل الظلم!

پاسخ: ۱

(تالیفی)

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) من: اسم استفهام است، زیرا هم از نظر معنی با اسلوب شرط مطابقت ندارد و هم اینکه فعل «یری» به عنوان جواب شرط به صورت مجزوم «یر» دیده نمی‌شود. ترجمه‌ی عبارت: «چه کسی برکنار می‌کند ستمگر را از جایگاهش وقتی که می‌بیند ستم را؟»
- ۲) يهدب: فعل شرط و مجزوم - يكسب: جواب شرط و مجزوم
- ۳) ير: فعل شرط و مجزوم به حذف حرف عله (ی) - لا يتدنس: جواب شرط و مجزوم
- ۴) جاء: فعل شرط و محلاً مجزوم - يغضب: جواب شرط و مجزوم

۵ عین المضارع مجزوماً:

- ۱) إن الشيطان يوسوسنا لنحب زخارف الدنيا!
- ۲) لننجد كلنا حتى ينصرنا الله في أمورنا!
- ۳) إن المؤمن لا يعتذر للفرار من المسؤولية!
- ۴) رب! أناديك متواضعاً لتسمع دعائي!

پاسخ: ۲

(تالیفی)

ترجمه گزینه (۲):

باید متحد شویم همگی مان تا یاری کند خدا ما را در کارهایمان.

در این گزینه «ل» لام امر غایب و حرف جازمه (لننجد) و «حتى ينصرنا» فعل مضارع منصوب است.

در گزینه‌های (۱) و (۳) فعل مضارع مرفوع و در گزینه‌ی (۴) علاوه بر مضارع مرفوع (نادی) فعل مضارع منصوب هم داریم (لتسمع).

انواع «لام»

۱	جازه (امر غایب، امر باللام)
۲	ناصبه
۳	جازه
۴	تأکید

انواع «لام»

۱- جازمه (امر غایب، امر باللام):

برای ۸ صیغه‌ی غایب و متکلم می‌آید به معنای (باید...) و معمولاً اول جمله می‌آید و به فعل دیگری وابسته نیست.

۲- لام ناصبه:

علت را بیان می‌کند و غالباً قبل از آن فعلی وجود دارد؛ چون این فعل التزامی ترجمه می‌شود و به فعل دیگری مربوط و به معنای (برای این‌که، تا، که، ...) است: لِيَذْهَبَ (تا که برود)

۳- لام جازه:

فقط بر سر اسم می‌آید، به معنای (برای) ← لِرَبِّ النَّاسِ: برای پروردگار مردم

تَلَبُّهُ مصدرها، همگی اسم هستند: لِفَتْحٍ - لِقِرَائَةِ - لِتَفْسِيرِ التَّوْرِ

تَلَبُّهُ هر وقت «لِ» بر سر مضارع مخاطب دیدی، حتماً لام ناصبه است.

👉 اگر بعد از «لِ» + مضارع در جمله، فعلی منصوب بیاید، آن «لِ» غالباً «لام» جازمه است:

لِتَجْتَهِدْ كَثِيرًا حَتَّى نَصِلَ إِلَى غَايَتِنَا ← باید بکوشیم بسیار، تا برسیم به هدفهایمان.

۴- لام تأکید «لَ»:

لام الإبتداء غالباً بعد از «لَ» و برای تأکید می‌آید و غیرعامل است.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ← همانا انسان واقعا در زیان است. / إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ← همانا انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است.

👉 پس هرگاه «لِ» بر سر مصدر بیاید، لام جازه است، چون مصدرها اسم‌اند: لِإِنْكَسَارٍ - لِتَكْوِينٍ - لِشَرْبٍ - لِتَظَاهَرٍ...

👉 لام جازه «لِ»، اگر با ضمیر بیاد تبدیل به «لَ» می‌شه: لَهْ - لَنَا - لَكَ - لَكُمْ - لَكُمَا

👉 معمولاً «لِ» در اول جمله «لام امر» و «لِ» در وسط جمله «لام ناصبه» است، چون «لام ناصبه» قرار است علت فعل قبلی را بیان کند:

تَدْرُسُ الْأُمَّ أَطْفَالَهَا لِيَنْجَحُوا ← درس می‌دهد مادر به کودکانش تا که موفق شوند.

👉 اگر قبل از «لِ»، حروف «و» - «فَ» - «ثُمَّ» بیاید، لام، ساکن «لَ» می‌شود و آن «لام» حتماً جازمه است. فَلْتَحَاوُلْ: پس باید بکوشیم.

تست نمونه

۱ عَيْنِ حَرْفِ اللَّامِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:

- ۱) لِيَعْلَمَ الْإِنْسَانَ أَنَّ الْعَقْلَ السَّلِيمَ مُصْلِحُ كُلِّ الْأُمُورِ!
- ۲) لِأَجْلِ الْجَهْدِ نَصَبَ أَعْيُنِي حَتَّى أَصِلَ إِلَى هَدْفِي!
- ۳) لِأَبْعَدَ نَفْسِي عَنِ الْغَضَبِ، حَاوَلْتُ كَثِيرًا!
- ۴) لِتَجْتَنِبَ مَشَاوِرَةَ كُلِّ مُشْفِقٍ جَاهِلٍ!

۲ عَيْنِ حَرْفِ «اللَّامِ» غَيْرِ عَامِلٍ:

- ۱) النَّاسُ لِيُؤَاجِهُوا الْحَقَائِقَ الْمَرَّةَ بِالتَّوَاوُلِ لَا بِالتَّشَاوُمِ!
- ۲) إِنَّ الرَّسُولَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ!
- ۳) وَ قُلْتُ لَهُمْ لِيَجْلِسْ فِي الصَّفِّ لِنَسْمَعَ حَدِيثَ الْعَالِمِ!
- ۴) إِنَّ رَبِّي لِيَحْكُمَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ!

پاسخ: ۳

(ریاضی ۹۰)

با توجه به ترجمه‌های فوق، «لِ» در تمام گزینه‌ها، حرف جازمه (امر غایب) است و فقط در گزینه‌ی (۳)، «لِ» با این‌که در اول جمله آمده «لام» ناصبه است. دقت کنید! عبارت گزینه‌ی (۳) با ترجمه‌ی امر غایب زیبا نیست و حتماً باید به صورت منصوب و التزامی ترجمه شود تا ترجمه‌ای زیباتر و درست حاصل گردد و در ضمن، در اصل بدین صورت بوده است:

حَاوَلْتُ كَثِيرًا، لِأَبْعَدَ نَفْسِي عَنِ الْغَضَبِ! كُوشِيدِم بَسِيَار. تَا دُور كِنَم خُودِم رَا از خُشَم!

پاسخ: ۴

(تالیفی)

بررسی حرف «لَ» در گزینه‌ها:

- ۱) لِيُؤَاجِهُوا ← حرف جازمه (لام امر غایب، عامل جزم)
- ۲) لِكُلِّ [«لا» هم در این عبارت حرف عطف و غیرعامل است!]
- ۳) لَهُمْ ← حرف جازه (عامل جَز)
- ۴) لِنَسْمَعِ ← حرف ناصبه (عامل نصب)
- ۵) لِيَحْكُمَ ← حرف تأکید (لام الإبتداء و غیرعامل)

فعل طلب و جواب طلب

هرگاه شما کسی را به کاری امر یا از کاری نهی می‌کنید، حتماً دلیلی دارد، در عربی، آن دلیل به‌عنوان جواب طلب مطرح شده، باید مجزوم باشد و ماضی التزامی هم ترجمه می‌شود. پس بعد از «فعل طلب (امر و نهی)» شما معمولاً «جواب طلب» خواهید دید که باید مجزوم باشد.

مثال ۱ ادعونی **←** أستجِبْ لکم **←** بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.
فعل طلب (امر) جواب طلب و میزوم

مثال ۲ تَفَانَلُوا بِالْخَيْرِ تَجِدُوهُ **←** خوش بین باشید (فال بزنید به خوبی) تا بیابید آن را (تا به خواسته‌تان برسید!)
فعل طلب (امر) جواب طلب و میزوم

مثال ۳ فَارْقُ تَسُدُّ **←** تفرقه بینداز، تا سروری کنی!
فعل طلب (امر) جواب طلب و میزوم

نکته با ترجمه‌ی فعل جواب طلب از «تا» یا «تا این‌که» استفاده می‌کنیم، تا دو جمله را به هم پیوند دهیم.

تست نمونه

۱ عین الخطأ:

- (۱) اعتمد على نفسك تنجح في حياتك.
- (۲) اجتهدوا في واجباتكم تصلون إلى الفوز.
- (۳) إن تنصروا بنصركم.
- (۴) أذكروني أذكركم.

۲ عین المضارع المنصوب:

- (۱) إن تجبوا كذباً تُدركوا العذاب!
- (۲) أدرسوا جيداً تنجحوا في دراستكم!
- (۳) لأكتب واجبي بسرعة لأنه حان وقت العشاء!
- (۴) تجمّع الموظفون ليستمعوا كلاماً مهماً!

پاسخ: ۲

فعل جواب طلب باید مجزوم باشد، پس درست این عبارت این‌گونه است:

اجتهـدوا (بکوشید)..... تصـلوا (تا برسید).....
فعل طلب میزوم جواب طلب میزوم

(تالیفی)

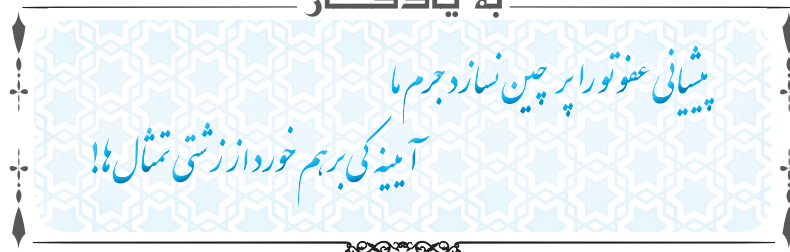
پاسخ: ۴

بررسی فعل‌ها در گزینه‌ها:

- (۱) تُجَبُّوا: فعل شرط، مجزوم، تُدْرِكُوا: جواب شرط، مجزوم
- (۲) أَدْرَسُوا: فعل امر (فعل طلب) مجزوم، تَنْجَحُوا: جواب طلب، مجزوم
- (۳) أَكْتُبُ: مضارع مجزوم به «لام» امر، حَانَ: فعل ماضی
- (۴) تَجْمَعُ: فعل ماضی، يَسْتَمِعُوا: فعل مضارع منصوب به حذف (ن) اعراب (قبلش «لام» ناصبه آمده)

(تالیفی)

به یادگار



تست ویژه

۱. عین الخطأ (في علامة الجزم):

۱. إِيَّهَا لَمْ تَرْجُو فِي أَعْمَالِهَا إِلَّا التَّوَكَّلَ عَلَى رَبِّهَا وَ عَلَى تِجَارِبِهَا!
۲. قَلْتُ لَصَدِيقَاتِي: لَا تَمْشِينَ فِي الْأَرْضِ مَتَكَبِّرَاتٍ!
۳. لِيَخْشِينَ مِنْ لَا يُحَاوِلْنَ لِرَفْعِ فَضْلِهِنَّ!
۴. لَمْ يَجْرُ هَذَا التَّهْرُ نَحْوَ هَذِهِ الْبُيُوتِ!

ترجمه

پیدا کن خطا را (در علامت جزم):

- (۱) همانا او امید نداشت در کارهایش به جز توکل بر پروردگارش و بر تجربه‌هایش!
- (۲) گفتم به دوستانم: راه نروید در (روی) زمین متکبرانانه!
- (۳) باید بترسند کسانی که نمی‌کوشند برای بالا بردن برتری‌شان!
- (۴) جاری نشد این رود به سوی این خانه‌ها!

(قارچ ۹۵)

پاسخ تشریحی: گزینه (۱)

لَمْ تَرْجُو ← (درست) لَمْ تَرْجُ (مجزوم به حذف حرف عله، اعراب ظاهری فرعی به حرف) فعل «تَرْجُو» فعل ناقص و اوای است و جزم آن به حذف حرف عله است.

تذکره اگر در فعل ناقص «واو» حذف شود، آخر فعل (تَمْ) می‌ماند و اگر «یاء» حذف شود، آخر فعل (یَمْ) می‌ماند.

مانند فعل (لَمْ يَجْرُ) در گزینه‌ی (۴) که در اصل (لَمْ يَجْرِي) بوده ولی چون مجزوم شده «یاء» آخرش حذف و به جایش کسره (یَمْ) مانده است.

در جمع مؤنث همیشه باید «ن» ضمیر دیده بشه، چون این «ن» هیچ‌وقت حذف نمی‌شه!

۲. عین فعل الشرط مجزوماً محلاً:

۱. إِنْ يُشَاهِدِ الْإِنْسَانَ نَتِيجَةَ جُهْدِهِ يَشْجَعُ فِي آدَاءِ أَعْمَالِ الْخَيْرِ أَكْثَرَ!
۲. إِنْ تَعَامَلَ النَّاسُ مَعَ بَعْضِهِمْ بَعْضًا بَغْضَبٍ فَسَيُغْضِبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ!
۳. مَنْ تَدَعَى نَفْسَهُ إِلَى طَرِيقِ الضَّلَالِ فَلَا يَنْسَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْقَدِيرُ!
۴. مَا نَعْمَلُ مِنَ الْحَسَنَاتِ فِي حَيَاتِنَا نَجِدُ ثَمَرَتَهَا فِي الْآخِرَةِ!

ترجمه

پیدا کن فعل شرط را (به صورت) محلاً مجزوم:

- (۱) اگر ببیند انسان حاصل تلاشش را تشویق می‌شود در انجام کارهای خوب، بیش‌تر!
- (۲) اگر رفتار کنند مردم بعضی‌شان با بعضی دیگر (باهم) به غضب، پس غضب خواهد کرد خدا بر آن‌ها!
- (۳) هر کس بخواند او را نفسش به راه گمراهی، پس فراموش نکند (نباید فراموش کند) که خدا همان تواناست!
- (۴) هر چه انجام دهیم از خوبی‌ها در زندگی‌مان، می‌یابیم ثمره‌اش را در آخرت!

(قارچ ۹۴)

پاسخ تشریحی: گزینه (۲)

«تَعَامَلَ» فعل ماضی از باب «تَفَاعَلَ» است و فعل ماضی هم جزو مبنی‌ها و اعرابش محلی است.

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) يُشَاهِدُ ← فعل شرط، مجزوم به اعراب ظاهری اصلی
- (۲) تَعَامَلَ ← فعل شرط، مجزوم محلاً
- (۳) تَدَعَى ← فعل شرط، مجزوم به اعراب ظاهری فرعی به حرف؛ مجزوم به حذف حرف عله - يَنْسَ ← جواب شرط، مجزوم به حذف حرف عله
- (۴) نَعْمَلُ ← فعل شرط، مجزوم

فرب «ت» توی ماضی باب‌های (تَفَاعَلَ و تَفَعَّلَ) رو نخوریا! اینا ماضی هستن نه مضارع!

۳. عین حذف حرف العلة علامة للجزم:

- ۱ لا تَجِدُ في قلبي ذرة من الحسد و البخل لأحد أبداً!
- ۲ لَيَقْمُ الإنسان بواجبه حتى يتقدّم في حياته القصيرة!
- ۳ استتعنا أن نَقْفُ أمام هجوم أعدائنا الظالمين!
- ۴ إِنَّ أُمِّي حنون و لم أخفِ عنها شيئاً في قلبي!

ترجمه

پیدا کن حذف حرف عله را علامتی برای جزم (عبارتی را پیدا کن که علامت جزم آن، حذف حرف عله باشد):

- (۱) نمی‌یابی در قلبم ذره‌ای از حسد و بخل به کسی، هرگز!
- (۲) باید انجام دهد انسان تکلیفش را تا پیشرفت کند در زندگی کوتاهش!
- (۳) توانستیم که بایستیم جلوی حمله‌ی دشمنان ستمگرمان!
- (۴) مادر من بسیار دلسوز است و پنهان نکرده‌ام از او چیزی را در قلبم!

(انسانی ۹۴)

پاسخ تشریحی: گزینه (۴)

يُخْفِي (مضارع، للغائب، من باب إفعال) ← للمتكلم ووجه ← أخفي + ← لم أخف (مجزوم به حذف حرف عله با اعراب ظاهری فرعی به حرف)

بررسی مواردی مهم در گزینه‌ها:

- (۱) لا تَجِدُ ← مضارع مرفوع به اعراب ظاهری اصلی از ریشه‌ی (وَجَدَ) [فعل مثال واوی در مضارع اعلال به حذف دارد] أبداً ← در جمله‌ای با فعل منفی، (هرگز) و در جمله‌های مثبت، (همیشه) ترجمه می‌شود.
- (۲) لَيَقْمُ ← مضارع مجزوم به «لام» امر غایب با اعراب ظاهری اصلی [فعل اجوف در حالت جزم، به علت التقای ساکنین حرف عله‌اش حذف می‌شود و این باعث تغییر اعراب نمی‌شود].
- نکته «قَامَ بِ» ← یک فعل متعدی است، با چهره‌های گوناگون می‌آید، خوب بشناسیدش!
- (۳) أَنْ نَقْفَ ← مضارع منصوب به اعراب ظاهری اصلی [فعل مثال واوی در مضارع، اعلال به حذف دارد].
- (۴) لَمْ أَخْفِ ← مجزوم به اعراب ظاهری فرعی، مجزوم به حذف حرف عله‌ی «ياء»

۴. عین الّلام ناصبة:

- ۱ لِيَكْرَمَ كُلُّ مِنَّا العلماء الكبار في المجتمع!
- ۲ نرجو الله لجميع شعبنا التّوفيق و السّعادة في حياتهم!
- ۳ هو يعمل كثيراً لتوفير ما يحتاج إليه في البيت!
- ۴ نتلو آيات الحقّ ليهدينا الله الصّراط المستقيم!

ترجمه

پیدا کن لام ناصبه را:

- (۱) باید احترام کند هر یک از ما، دانشمندان بزرگ را در جامعه!
- (۲) می‌خواهیم از خدا برای همه‌ی ملت‌مان توفیق و خوشبختی را در زندگی‌شان!
- (۳) او کار می‌کند بسیار برای فراهم کردن آن‌چه را نیاز دارد به آن در خانه!
- (۴) می‌خوانیم آیات حق را، تا هدایت کند ما را خدا به راه راست!

(انسانی ۹۳)

پاسخ تشریحی: گزینه (۴)

گفته بودیم که «لام» ناصبه، معمولاً بعد از فعل دیگری ظاهر می‌شود، چون معنایی التزامی و وابسته دارد.

بررسی حرف «ل» در گزینه‌ها:

- (۱) لِيَكْرَمَ ← لام جازمه؛ لام امر غایب؛ حرف عامل جزم
- (۲) لِيَجْمِيعَ ← لام جازمه، حرف عامل جرّ [همیشه با اسم می‌آید].
- (۳) لِيَتَوَفَّرَ ← لام جازمه، حرف عامل جرّ [«توفیر» بر وزن «تفعیل» اسم و مصدر است].
- (۴) لِيَهْدِينَا ← لام ناصبه، حرف عامل نصب [«یهدی» مضارع منصوب با اعراب ظاهری اصلی]

نکته ادوات نصب نمی‌توانند حرف عله را حذف کنند.

۵. عَيْنُ الْخَطَا فِي أُسْلُوبِ الشَّرْطِ:

- ۱ من دعا الله بالتَّضَرُّعِ استجاب له دعواته استجابة!
- ۲ إن يذهب التلاميذ إلى المكتبة يجدون هناك كتباً قيّمة!
- ۳ إن تجالسا الأبرار و المتقين تتقربا إلى الله تعالى!
- ۴ من يعف عن سيئات الناس يعف الله عنه أيضاً!

ترجمه

پیداکن خطا را در اسلوب شرط:

- (۱) هر که بخواند خدا را با تضرع (و زاری)، قطعاً برآورده می‌کند (خدا) برای او دعاهايش را!
- (۲) اگر بروند دانش‌آموزان به کتاب‌خانه می‌یابند آن‌جا کتاب‌هایی ارزشمند!
- (۳) اگر هم‌نشینی کنید با خوبان و پرهیزکاران، نزدیک می‌شوید به خدای بلندمرتبه!
- (۴) هر که در گذرد از بدی‌های مردم، می‌گذرد خدا از او همچنین!

(قارح ۹۳)

پاسخ تشریحی: گزینه (۲)

بررسی فعل شرط و جواب شرط در گزینه‌ها:

- (۱) دَعَا ← فعل شرط و محلاً مجزوم - اِسْتَجَابَ ← جواب شرط و محلاً مجزوم
 - (۲) يَذْهَبُ ← فعل شرط و مجزوم - يَجِدُونَ ^{درست} ← جواب شرط و مجزوم فرعاً
 - (۳) تُجَالِسَا ← فعل شرط و مجزوم فرعاً - تَتَقَرَّبَا ← جواب شرط و مجزوم فرعاً
 - (۴) يَعْفُ (عفو) ← فعل شرط و مجزوم به حذف حرف عله؛ مجزوم فرعاً - يَعْفُ (عفو) ← جواب شرط و مجزوم فرعاً
- تذکره: «استجابة» در گزینه (۱)، مفعول مطلق تأکیدی است [بعداً مفصل می‌خونیم]

۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْلَالِ:

- ۱ لنستفيد من أوقات الفراغ و نكتسب العلم!
- ۲ إنَّ الحاكم لم يدعو النَّاسَ إلى طاعته!
- ۳ الضَّالُّونَ لم يمشيوا في الصراط المستقيم!
- ۴ لا تنسي أن تخبريني عن قضيتك!

ترجمه

پیداکن درست را در (مبحث) اعلال:

- (۱) باید استفاده کنیم از اوقات فراغت و به‌دست بیاوریم دانش را!
- (۲) همانا حاکم دعوت نکرد مردم را به اطاعتش!
- (۳) گمراهان راه نرفته‌اند در راه راست!
- (۴) فراموش نکن (خانم!) که خبردهی به من از ماجرایت!

(انسانی ۹۱)

پاسخ تشریحی: گزینه (۴)

بررسی فعل معتل گزینه‌ها:

- (۱) لِنَسْتَفِيدُ ^{درست} ← (مجزوم به اعراب ظاهری اصلی، دقت کنید که در التقای ساکنین، حرف عله ضعیف و محکوم به حذف است).
- (۲) لَمْ يَدْعُو ^{درست} ← لَمْ يَدْعُ (مجزوم به اعراب ظاهری فرعی به حرف؛ مجزوم به حذف حرف عله)
- (۳) لَمْ يَمْشُوا ^{درست} ← لَمْ يَمْشُوا (مجزوم به حذف «نون» اعراب؛ فرعاً مجزوم - فعلی به شکل «يَمْشِيُونَ» اصلاً وجود ندارد! صرف افعال معتل را با تکرار یاد بگیرید).
- (۴) لا تنسي ← فعل نهی للمخاطبة، مجزوم به اعراب ظاهری فرعی؛ مجزوم به حذف «نون» اعراب.

هر وقت خطاب فعل مضارع به مفرد مؤنث باشد، یعنی هروقت با خانمی صحبت می‌کنی؛ باید حرف «ی» که ضمیر متصل فاعلی هس، توی فعل دیده بشه.

۷. عین فعل شرط مجزوماً محلاً:

- ۱ | إن يقع شك في قلب الناس بالنسبة إليك، فدافع عن نفسك بالتوضيح! ۲ | إن تر نفسك يوماً غارقاً في القساوة، فامسح يدك على رأس يتيماً!
 ۳ | إن تدعك قدرتك على الظلم بالناس فلا تنس أن الله هو الأقدرا! ۴ | إن وجدوك غاضباً فلن يواجهوك بما يرضيك!

ترجمه

پیدا کن فعل شرط را (به صورت) محلاً مجزوم:

- ۱) اگر بیفتد شک در قلب مردم نسبت به تو، پس دفاع کن از خودت با توضیح!
 ۲) اگر ببینی (دیدنی) خودت را روزی غرق در سنگدلی، پس پیکش دستت را روی سر یتیمی!
 ۳) اگر دعوت کرد تو را قدرت بر ستم به مردم، پس فراموش نکن که خدا همان تواناترین است!
 ۴) اگر یافتند تو را غضبناک، پس (هرگز) برخورد نخواهند کرد با تو به آن چه راضی می‌کند تو را!

(انسانی ۹)

پاسخ تشریحی: گزینه (۴)

«وَجَدُوا» فعل شرط و ماضی و اعرابش محلاً مجزوم است. فعل ماضی، مبنی و اعرابش محلی است.

بررسی فعل شرط در سایر گزینه‌ها:

- ۱) يَقَعُ (وقع) ← مجزوم به اعراب ظاهری اصلی
 ۲) تَر (رأی) ← مجزوم به حذف حرف عله، مجزوم به اعراب ظاهری فرعی به حرف
 ۳) تَدَعُ (دعو) ← مجزوم به حذف حرف عله، مجزوم به اعراب ظاهری فرعی به حرف

دوستان! «فاء» جواب شرط توی گزینه‌های این تست، به خوبی معلومه. پیداشون کنید!

۸. عین الصحيح في اسلوب الجزم:

- ۱ | مَدَّ يَد الإحسان ترى حسن العاقبة! ۲ | أحسنوا إلى البؤساء تكرموا!
 ۳ | من يستز عيب الآخرين الله يحبّه! ۴ | إن تتقنوا عملكم إنكم تريحون!

ترجمه

پیدا کن درست را در اسلوب جزم:

- ۱) دراز کن دست احسان را، تا ببینی خوبی عاقبت را!
 ۲) احسان کنید به بینوایان تا اکرام شوید!
 ۳) هر که ببوشاند عیب دیگران را، خداوند دوست می‌دارد او را!
 ۴) اگر محکم و استوار کنید کارتان را، همانا شما سود می‌برید!

(فارج ۹۰)

پاسخ تشریحی: گزینه (۲)

در این عبارت فعل طلب (أحسنوا) و جواب طلب (تكرموا)، هر دو به درستی مجزوم شده‌اند.

بررسی فعل‌ها در سایر گزینه‌ها:

- ۱) مَدَّ: فعل طلب و امر حاضر از فعل «تَمَدَّدَ» و درست است. [فعل‌های مضاعف در حالت جزم می‌توانند به جای ساکن (ت)، فتنحه (ت) بگیرند]
 تَرَى: درست ← تَر [جواب طلب باید مجزوم باشد].
 ۳) يَسْتَزِي: فعل شرط و مجزوم و درست است.
 اللَّهُ يُحِبُّهُ: درست ← فَاللَّهُ يُحِبُّهُ، جمله‌ی اسمیه و جواب شرط و محلاً مجزوم [جواب شرط وقتی جمله‌ی اسمیه باشد باید با «فاء» جواب شرط بیاید].
 ۴) تَتَّقِنُوا: فعل شرط و مجزوم به حذف (ن) و درست است.
 إنكم تريحون: درست ← فَإِنَّكُمْ تريحون، جمله‌ی اسمیه و جواب شرط و محلاً مجزوم [هر وقت کلمه‌ای از نواسخ دیدی، بدان با یک جمله‌ی اسمیه طرف هستی].

۹. عین الصحيح في المعتلات:

- ۱ | إن يرى الإنسان حقائق الحياة فلن يخسر! ۲ | لن تجري أمور حياتك كما تريدین!
 ۳ | لم تخلو الدنيا من المتاعب المختلفة أبداً! ۴ | خرجت المعلمة و لم تعود إلى الصف!

ترجمه

پیدا کن درست را در معتل‌ها:

- ۱) اگر ببیند انسان حقیقت‌های زندگی را، هرگز ضرر نخواهد کرد!
 ۲) جریان نخواهد یافت امور زندگی‌ات آن‌چنان‌که می‌خواهی!
 ۳) خالی نشده است دنیا از سختی‌های مختلف، هرگز!
 ۴) خارج شد معلم و برنگشت به کلاس!

(زبان ۱۹)

پاسخ تشریحی: گزینه (۲)

بررسی فعل‌های معتدل در گزینه‌ها:

- (۱) اِنْ يَرِ ← درست (فعل شرط باید مجزوم باشد و جزم مضارع ناقص به حذف حرف عله است). - فَلَنْ يَخْسَرَ (مضارع منصوب)
 (۲) لَنْ تَجْرِيَ (مضارع منصوب) - تُرِيدِينَ (مضارع مرفوع) [هر دو درست هستند].
 (۳) لَمْ تَخْلُو ← درست (مجزوم به حذف حرف عله، نیاباً مجزوم)
 (۴) لَمْ تَعُودَ ← درست (مجزوم به اعراب ظاهری اصلی است ولی به علة التقای ساکنین حرف عله باید حذف شود).

۱۰. عین «لام» الجازمة:

- ۱ المؤمنون ليتحلوا بكمال الأخلاق و التواضع!
 ۲ أجتهد في حياتي لأنال المناصب العالية!
 ۳ الذين عملوا صالحات ليهديهم الله سبيله!
 ۴ ذهبت إلى بيت صديقتي لتهنئتها بنجاحها!

ترجمه

پیداکن «لام» جازمه را:

- (۱) مؤمن‌ها باید زینت شوند به فضائل اخلاق و فروتنی!
 (۲) می‌کوشم در زندگی‌ام تا برسم به جایگاه‌های عالی!
 (۳) کسانی‌که انجام دادند شایسته‌ها را (کارهای شایسته را)، قطعاً و حتماً هدایت می‌کند آن‌ها را خدا به راه‌هایش!
 (۴) رفتم به خانه‌ی دوستم برای تبریک به او به‌خاطر پیروزی‌اش!

(شرح ۱۸)

پاسخ تشریحی: گزینه (۱)

بررسی «ل» در گزینه‌ها:

- (۱) لِيَتَحَلَّوْا ← لام جازمة
 (۲) لِأَنَالُ ← لام ناصبه
 (۳) لِيَهْدِيَهُمْ ← لام تأکید [این فعل با دو تأکید آمده؛ با «لام» تأکید و «ن» تأکید]
 (۴) لِتَهْنِئَةٍ ← لام جازه [«تَهْنِئَةٍ» مصدر باب تفعیل و اسم است.]

۱۱. عین الخطأ في اقتران جواب الشرط بالفاء:

- ۱ من يزرع الفتن فهو يحصد سوء ما زرع!
 ۲ إن تتعلموا السباحة فتمارسوا تنجوا من الغرق!
 ۳ مهما تعامل والدك فيعاملك أعزأئك!
 ۴ أينما رأيت الكذاب فلا تصدق كلامه عني!

ترجمه

پیداکن خطا را در همراهی جواب شرط با «فاء»:

- (۱) هر که بکارد فتنه‌ها را، برداشت می‌کند زشتی آن‌چه را که کاشته است!
 (۲) اگر یاد بگیرید شنا را پس تمرین (هم) کنید، نجات می‌یابید از غرق شدن!
 (۳) هرگونه برخورد کنی با پدر و مادرت، برخورد می‌کنند با تو عزیزانت!
 (۴) هر کجا دیدی دروغ‌گو را، تصدیق مکن سخنش را از (طرف) من!

(تألیفی)

پاسخ تشریحی: گزینه (۳)

اگر جواب شرط، جمله‌ی اسمیه یا فعل طلبی (امر و نهی) باشد، جمله همراه و مقتربن به «فاء» جواب شرط می‌شود، پس «يُعَامَلُكَ» که جواب شرط است ولی هیچ‌کدام از این شرایط را ندارد (جمله اسمیه و فعل طلبی نیست) نباید با «فاء» جواب شرط همراه شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) فَهَوُ يَحْصُدُ ← جمله‌ی اسمیه و جواب شرط و محلاً مجزوم
 (۲) فَتَمَارَسُوا ← در این‌جا «ف» حرف عطف است، پس این فعل مجزوم و معطوف به فعل شرط «تَتَعَلَّمُوا» می‌باشد و جواب شرط نیست.
 (۳) فَتَنْجُوا ← جواب شرط و مجزوم فرعاً؛ مجزوم به حذف نون اعراب
 (۴) فَلَا تُصَدِّقْ ← فعل نهی و جواب شرط و مجزوم



تطابق فعل و فاعل (در جنس)

می‌دانید که فعل و فاعل باید از نظر جنس (مذکر و مؤنث بودن) پیرو هم باشند. ولی این مطابقت گاهی واجب است یعنی حتماً باید فعل و فاعل در جنس مطابق باشند و گاهی هم جایز است و واجب نیست!

اکنون ببینید در کدام مورد فعل و فاعل باید در جنس، مطابقت داشته باشند:

- ۱- وقتی فاعل از نوع ضمیر مستتری باشد که مرجع آن ضمیر، یک اسم مؤنث (حقیقی یا مجازی) است:
 المعلمة دَرَسَتْ، الأُمُّ صَحَّكَتْ، فاطمةٌ نَصَرَتْ (فاعل: «هی» مستتر که مرجع آن مؤنث حقیقی است).
 الدائرُ طَهَّرَتْ، العینُ سَطَعَتْ، المزرعةُ اِسْتَعَلَّتْ (فاعل: «هی» مستتر که مرجع آن مؤنث مجازی است).

- ۲- وقتی فاعل از نوع اسم ظاهر و مؤنث حقیقی باشد و میان فعل و فاعل هم هیچ فاصله‌ای نباشد:
 شَرِبَتْ نَفِيسَةً، نَجَحَتْ التلميذةُ، نامَتْ زَيْنَبُ (فاعل: اسم‌های مؤنث حقیقی هستند و میان آن‌ها و فعل هم فاصله‌ای نیست).

در دو مورد تطابق فعل و فاعل از نظر جنس اجباری نیست! یعنی جایز است. پس در این دو حالت می‌توانی فعل را مؤنث و یا مذکر بیاوری:

- ۱- اگر فاعل، از نوع اسم ظاهر و مؤنث حقیقی باشد و میان این دو (فعل و فاعل) فاصله باشد:

ذَهَبَتْ اليَوْمَ فاطمةٌ = ذَهَبَ اليَوْمَ فاطمةٌ
 فعل مؤنث، فاعل، مؤنث حقیقی فعل مذکر، فاعل، مؤنث حقیقی

جاءَتْ إلى المدرسةِ طالِبَةٌ = جاءَ إلى المدرسةِ طالِبَةٌ
 فعل مؤنث، فاعل، مؤنث حقیقی فعل مذکر، فاعل، مؤنث حقیقی

- ۲- اگر فاعل، از نوع اسم ظاهر و مؤنث مجازی باشد و میان این دو (فعل و فاعل) فاصله نباشد:

اِسْتَعَلَّتْ نَصارُ الإِختلافِ = اِسْتَعَلَّ نَصارُ الإِختلافِ
 فعل مؤنث، فاعل، مؤنث مجازی فعل مذکر، فاعل، مؤنث مجازی

تَطَلَّعَ العبدالَّةُ في بَلَدِي = يَطَلَّعُ العبدالَّةُ في بَلَدِي
 فعل مؤنث، فاعل، مؤنث مجازی فعل مذکر، فاعل، مؤنث مجازی

پس در دو مورد فوق «جایز» است که فعل را مؤنث و یا مذکر بیاوریم و این تطابق واجب نیست. (حقیقی ← با فاصله، مجازی ← بی‌فاصله).

تست نمونه

۱) عین فعلاً تأنیثه جائز:

- رائحة ورد الیاسمن تفوح في الحديقة صباح كل يوم!
- تقوی الطالبات القيم الأخلاقية بعملهن لا بأقوالهن!
- المعلمة الحنون تربي تلميذات بلادها علی الفضائل الإنسانية القيمة!
- صباح اليوم حضرت في المدرسة الطالبات المجتهدات إلا اثنتین منهن!

پاسخ: ۴

(انسانی ۹۳)

در این عبارت بین فعل یعنی «حَصَرَتْ» و بین فاعل یعنی «الطالبات» که یک اسم مؤنث حقیقی است، فاصله افتاده، پس می‌توان فعل را مذکر یا مؤنث آورد. یعنی جایز بود فعل را مذکر بیاوریم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) رائحةٌ تفوحٌ... ← فعل واجب است مؤنث باشد چون فاعلش «هی» مستتر است. فعل و فاعل (هی) مستتر

۲) تقوی الطالبات... ← فعل واجب است مؤنث باشد چون فاعلش اسم مؤنث حقیقی است و بی فاصله بعد از فعل آمده!

۳) المعلمة تربي... ← فعل واجب است مؤنث باشد چون فاعلش «هی» مستتر فعل و فاعل (هی) مستتر است.

۲ عین تأیث الفعل لیس جائزاً:

- ۱) فازت في المسابقة العلمية بنتی و هي كانت مجدة.
- ۲) ما أجمل طلوع البدر في الليل عندما تغرب الشمس.
- ۳) ثَبَّاعُ البضائع الجديدة إلى بَلَدٍ يحتاج إليها.
- ۴) لم تَرَّ في الشارع التلميذة سيَّارةً.

پاسخ: ۱

(تالیفی)

«فازت» فعل مؤنث و فاعل آن هم «بنت» و مؤنث حقیقی است و چون بین این فعل و فاعل فاصله افتاده، پس تأیث فعل جایز است، ولی در بخش دوم عبارت، فعل «كانت» که از افعال ناقصه و مؤنث است باید اسمی «مؤنث» داشته باشد یعنی «هی» مستتر که به «بنت» برمی‌گردد، پس تأیث فعل «كانت» در این جا واجب است.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

- ۲) تغرب الشمس. ← تأیث فعل جایز است، زیرا «الشمس» مؤنث مجازی است.
بی فاصله آمده
- ۳) ثَبَّاعُ البضائع. ← تأیث فعل جایز است، زیرا «البضائع» جمع غیرعقل و مؤنث مجازی است.
بی فاصله آمده
- ۴) لم تَرَّ التلميذة. ← تأیث فعل جایز است، زیرا «التلميذة» مؤنث حقیقی است و با فاصله آمده.
با فاصله آمده

۳ آی مورد لیس تأیث الفعل واجباً؟

- ۱) ذَهَبَتِ البیومَ فاطمةٌ إلى المدرسة.
- ۲) الشمسُ طلعت في السماء.
- ۳) البقرة تجلب اللبن.
- ۴) نَجَحَتْ فاطمةٌ في الامتحان.

پاسخ: ۱

(انسانی ۱۵)

سؤال از ما عبارتی را خواسته که مؤنث بودن فعل در آن جایز باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) ذَهَبَتِ: فاعل «فاطمة» و مؤنث حقیقی است و چون با فاصله از فعل آمده، مؤنث بودن فعل واجب نیست و جایز است.
- ۲) طَلَعَتْ: فاعل «هی» مستتر و تأیث فعل واجب است.
- ۳) تَجَلَبَّتْ: فاعل «هی» مستتر و تأیث فعل واجب است.
- ۴) نَجَحَتْ: فاعل «فاطمة» و مؤنث حقیقی است و چون بی فاصله از فعل آمده، تأیث فعل واجب است.

۴ ما هو الخطأ:

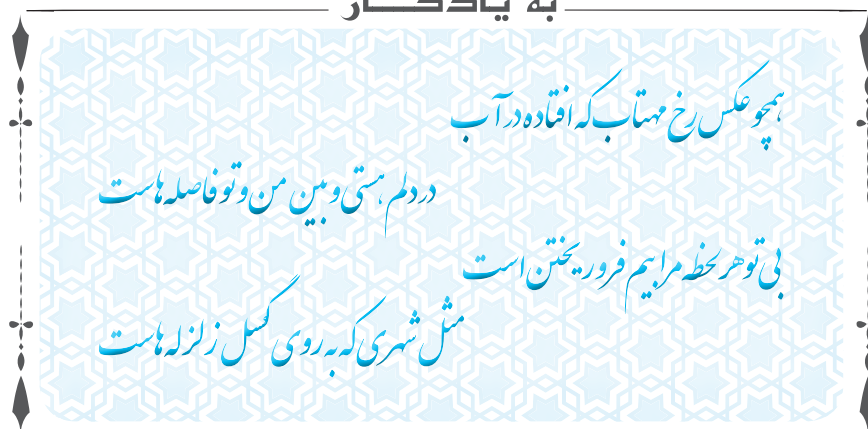
- ۱) مَرَصَتِ العین.
- ۲) القوسُ اِشْتَعَلَتْ.
- ۳) یمشی فی الدارِ فاطمةٌ بهْدوء.
- ۴) مُلِئَتْ البئرُ ماءً.

پاسخ: ۲

(تالیفی)

این گزینه خطاست، چون فعل باید مؤنث باشد (اِشْتَعَلَتْ) تا فاعل آن «هی» مستتر شود و به «القوس» برگردد. (العین، القوس، البئر) مؤنث مجازی هستند در گزینه (۳) چون اسم مؤنث حقیقی (فاطمة) با فاصله بعد از فعل آمده، تأیث فعل جایز است.

به یادگار



تست ویژه

۱. عین الفعل واجب التانیث:

- ۱ اهدیت کتب مفیده إلى الحاضرين في الحفل!
- ۲ لیت المودّة تستقرّ بین الناس في العالم!
- ۳ سقطت قطرات من الطّعام علی قمیص الطّفل!
- ۴ تدرس بجدّ و نشاط هذه التّلميذه دائماً!

ترجمه

پیدا کن فعلی را (که) واجب التانیث (است):
 (۱) اهدا شد کتاب‌های مفیدی به حاضرهای در جشن!
 (۲) ای کاش محبت مستقر شود در میان مردم در جهان!
 (۳) افتاد قطره‌هایی از غذا بر پیراهن کودک!
 (۴) درس می‌خواند با تلاش و نشاط این دانش‌آموز همیشه!

(فارح ۹۵)

پاسخ تشریحی: گزینه (۲)

سؤال از ما گزینه‌ای را خواسته که فعل مؤنث‌اش، حق ندارد مذکر بیاید.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) اهدیت کتب ← بین فعل مجهول و نائب فاعل که مؤنث مجازی و جمع غیرعاقل است، فاصله‌ای نیست، پس فعل می‌توانست به صورت مذکر هم بیاید.
 فعل نائب فاعل

نکته با جمع غیرعاقل (غیر آدم)، برخورد مفرد مؤنث می‌شود: دَهَبْتُ الحیوانات - حَسُنْتُ أَخلاق ...
 فعل مؤنث (جمع غیرآدم) فاعل (جمع غیرآدم) فعل مؤنث فاعل (جمع غیرآدم)

(۲) المودّة تَسْتَقِرُّ ← در این جا فعل باید مؤنث باشد، چون فاعل آن «هی» مستتر و مرجع آن هم یک اسم مؤنث (المودّة) است.
 فعل و فاعل (هی) مستتر

(۳) سَقَطَتْ قَطْرَاتٌ ← بین فعل و فاعل که مؤنث مجازی است، فاصله‌ای نیست. پس فعل می‌توانست به صورت مذکر هم بیاید.
 فعل فاعل

(۴) تدریس هذه التلميذة ← بین فعل و فاعل که مؤنث حقیقی است، فاصله هست، پس فعل می‌توانست به صورت مذکر هم بیاید.
 فعل فاعل

(فارح ۹۴)

۲. عین ما فيه تأنیث الفعل واجب:

- ۱ دخلت في الصفّ هذه التلميذة متأخراً!
- ۲ قالت لي المعلمة: لماذا تأخّرت في الحضور!
- ۳ تستقبل مَكَّةَ الحجاج في شهر ذي الحجة!
- ۴ كانت يد الفلاح قد تعبت من العمل الكثير!

ترجمه

پیدا کن آن چه را در آن مؤنث بودن فعل واجب است:
 (۱) داخل شد در کلاس این دانش‌آموز با تأخیر!
 (۲) گفت به من (خانم) معلم: چرا دیر کردی در حاضر شدن!
 (۳) استقبال می‌کند مکه از حاجیان در ماه ذی‌حجه!
 (۴) خسته شده بود دست کشاورز از کار زیاد!

پاسخ تشریحی: گزینه (۴)

بررسی گزینه‌ها:

(۱) دَخَلْتُ هذه التلميذة ← بین فعل و فاعل که مؤنث حقیقی است، فاصله هست، پس می‌توانست فعل، مذکر هم بیاید.
 فعل فاعل

(۲) قَالَتْ المعلمة ← (توضیح بالا)، پس مؤنث بودن فعل واجب نیست.
 فعل فاعل

(۳) تستقبل مَكَّةَ ← بین فعل و فاعل که مؤنث مجازی است، فاصله‌ای نیست، پس می‌توانست فعل، مذکر هم بیاید.
 فعل فاعل

(۴) يَدٌ قَدَّعِيَتْ ← در این جا فعل باید مؤنث باشد، چون فاعل آن «هی» مستتر و مرجع آن هم یک اسم مؤنث (يد) است. در ابتدای این عبارت
 فعل و فاعل (هی) مستتر

«كانت يدٌ...» فعل «كانت» می‌توانست به صورت مذکر هم بیاید، چون «يدٌ» مؤنث مجازی است و بدون فاصله از فعل آمده است.

نکته اعضای زوج بدن، اسامی شهرها و کشورها، غالباً مؤنث مجازی محسوب می‌شوند: اذن (گوش)، رجل (پا)، جفن (پلک)، تهران، لبنان و ...

۳. عین ما فيه تأنيث الفعل واجب:

- ۱ تحضر هذه التلميذة كل يوم في صفها!
 ۲ تحاول لتربيتنا أمهاتنا طول العمر!
 ۳ تعبت يدا هذا الفلاح بسبب العمل الكثير!
 ۴ استيقظت من النوم أختي لصلاة الصبح!

ترجمه

پیدا کن آن چه را در آن مؤنث بودن فعل واجب است:

- (۱) حاضر می شود این دانش آموز هر روز در کلاسش!
 (۲) می کوشند برای تربیت ما مادرهای ما در طول عمر!
 (۳) خسته شد دست های این کشاورز به دلیل کار بسیار!
 (۴) بیدار شد از خواب خواهرم برای نماز صبح!

(انسانی ۹۴)

پاسخ تشریحی: گزینه (۱)

بررسی گزینه ها:

- (۱) تَحَضَّرَ هذه التلميذة ← (هذه) فاعل و اسم مؤنث حقیقی است و بی فاصله بعد از فعل آمده، پس واجب است که فعل به صورت مؤنث بیاید (اگر بین «هذه» و فعل فاعل).
 (۲) تَحَاوَلُ أُمَّهَاتُ ← بین فعل و فاعل که مؤنث حقیقی است فاصله افتاده، پس جایز است فعل مؤنث و یا مذکر بیاید (تطابق از نظر جنس فعل و فاعل واجب نیست).
 (۳) تَعَبَتْ يدا ← فاعل مؤنث مجازی است و بی فاصله بعد از فعل آمده، پس اجازه داشتیم فعل را مذکر هم بیاوریم (تطابق واجب نیست).
 (۴) اسْتَيْقَظْتُ أَخْتِ ← بین فعل و فاعل که مؤنث حقیقی است فاصله افتاده، پس اجازه داریم فعل را مذکر هم بیاوریم (تطابق واجب نیست).

مضاف، «ال»، تنوین و «نون» مثنی و جمع را نمی گیرد: يَدَا هَذَا الْفَلَّاحِ الْمُعَلِّمِينَ الْمَدْرَسَةَ
 مضاف مضاف الیه مضاف مضاف الیه

۴. عین الفعل يجب تأنيثه:

- ۱ اشتعلت النار ثم وصلت إلى انتهاء البناء!
 ۲ انتشرت الحضارة الإسلامية بقوة العقيدة في البلاد!
 ۳ بكت عيناه اشتياقاً لزيارة الأصدقاء الأقدمين!
 ۴ بدأت الحرب المفروضة ضد بلدنا الإسلامي قبل سنين!

ترجمه

پیدا کن فعلی را که واجب است مؤنث بودنش:

- (۱) روشن شد آتش سپس رسید به انتهای ساختمان!
 (۲) منتشر شد تمدن اسلامی با نیروی عقیده در سرزمینها!
 (۳) گریست چشمان او به خاطر شوق برای دیدار دوستان قدیمی تر!
 (۴) شروع شد جنگ تحمیلی بر ضد سرزمین اسلامی ما چند سال پیش!

(فارح ۹۳)

پاسخ تشریحی: گزینه (۱)

بررسی گزینه ها:

- (۱) اِسْتَعْلَتِ النار وَصَلَّتْ ← در این جا «اِسْتَعْلَتِ» می توانست مذکر هم بیاید، چون فاعل آن «النار» مؤنث مجازی و بدون فاصله آمده کسره عارضی است!
 (۲) اِنْتَشَرَتْ الحضارة ← تأنيث فعل جایز است (واجب نیست).
 (۳) بَكَتْ عَيْنَا ← تأنيث فعل جایز است (واجب نیست).
 (۴) بَدَأَتْ الحرب ← تأنيث فعل جایز است (واجب نیست).